



اخبار محیط زیست ایران

مجوز پروژه پتروشیمی میانکاله لغو شد

معاون اول رئیس‌جمهور با ارسال نامه‌ای رسمی به ۴ وزارتخانه لغو مجوز پروژه پتروشیمی میانکاله را مستند کرد.



مجوز طرح پتروشیمی میانکاله که مناقشات و انتقادهای بسیاری به دنبال داشت در نهایت در هیئت‌وزیران لغو شد. در نامه مجدداً عارف معاون اول رئیس‌جمهور آمده که مجوز هیأت‌وزیران در سال ۱۳۹۹ لغو و وزارت جهاد کشاورزی موظف است نسبت به استرداد این زمین اقدامات لازم را به عمل آورد.

روز گذشته ابوالفضل رئوفی مشاور وزیر جهاد کشاورزی و مدیرکل دفتر محیط زیست و توسعه پایدار وزارت جهاد کشاورزی درباره استرداد زمین گفت: بازپس‌گیری زمین یک روند اداری دارد.

به منظور بررسی و تعیین تکلیف این موضوع مهم، برابر ضوابط، از سوی سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران به استانداری مازندران درخواست مکتوب برای برگزاری جلسه کمیسیون ماده ۲۱ شده است.

وی در ادامه افزود: در این نامه درخواست شده «کمیسیون طرح‌های غیر کشاورزی ماده ۲۱ واگذاری اراضی منابع ملی و دولتی» تشکیل جلسه داشته باشد. در این جلسه با رعایت قوانین، مقررات و ضوابط مربوطه تصمیمات اتخاذ می‌شود و متعاقباً اقدامات لازم به عمل خواهد آمد.

به گفته این مقام مسئول، رئیس‌جمهور دستور به توقف اجرای پروژه داده‌اند و موضوع با جدیت در حال پیگیری است. [سایت انتخاب](#)

گردو غبار خوزستان را فراگرفت / تعطیلی مدارس برخی شهرها



بنابر اعلام ستاد مدیریت بحران خوزستان، افزایش شدید گرد و غبار در سطح استان سبب تعطیلی مدارس برخی شهرستان‌های استان در نوبت بعداز ظهر شد.

به گزارش خبرگزاری فارس خوزستان از اهواز، افزایش ریزگردها در استان خوزستان باعث تعطیلی مدارس برخی از شهرستان‌های این استان شد. کیامرث حاجی‌پور امروز در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری فارس در اهواز با اشاره به شدت گرد و غبار اظهار کرد: مدارس، مراکز آموزشی و دانشگاه‌های شهرهای اهواز، حمیدیه، کارون و باوی در نوبت بعد از ظهر تعطیل است. وی افزود: فعلاً تصمیمی در خصوص تعطیلی سازمان‌ها و ادارات گرفته نشده است. اداره‌کل آموزش و پرورش خوزستان همچنین اعلام کرد به‌جز شهرهای نامبرده مدارس دیگر شهرستان‌های استان در نوبت بعداز ظهر تعطیل نیست. پیش از این سازمان هواشناسی استان وقوع باران شدید و بستن معابر را پیش‌بینی کرده بود. بنابر اعلام ستاد مدیریت بحران مدارس شهرهای اهواز، باوی و حمیدیه در نوبت عصر تعطیل شد؛ میزان غلظت گرد و خاک در هوای اهواز چند برابر حد مجاز است.

[خبرگزاری فارس](#)



ریه‌های تنفسی غرب ایران از نفس افتاد



جنگل‌های زاگرس به عنوان ریه‌های تنفسی غرب ایران، در معرض تهدیدات جدی ناشی از تغییرات اقلیمی و فعالیت‌های انسانی ناپایدار قرار دارد.

تغییر اقلیم و کاهش بارندگی‌ها طی ۲۰ سال اخیر، افزایش دما و آتش‌سوزی‌های بی‌سابقه همراه با فعالیت‌های انسانی، موجب بروز پدیده‌های نگران‌کننده شده و نابودی چند صد هزار هکتاری جنگل‌های زاگرس را در پی داشته است.

سالانه هزاران هکتار جنگل‌زدایی برای سوخت، چرای بی‌رویه (۳ برابر ظرفیت اکولوژیک) و پروژه‌های عمرانی غیرمسئولانه سبب نابودی این جنگل‌ها شده است.

سایت امتداد

انفجار بندر رجایی؛ از آلودگی آب تا کاهش باروری پرندگان

پردیس گلشن



پس از انفجار مهیب در بندر رجایی، مدیر کل محیط زیست استان هرمزگان می‌گوید "هیچگونه آلودگی وارد خلیج فارس نشده است". کارشناسان اما درباره تبعات آتی این فاجعه بر زیست بوم آبی، خاکی و هوایی منطقه هشدار می‌دهند.

انفجار مهیب روز شنبه در بندر رجایی، علاوه بر خسارات فراوان جانی و مالی، خسارات زیست محیطی زیادی نیز بر جای گذاشته و در آینده نیز بر جای خواهد گذاشت.

از آنجا که منبع این انفجار هنوز مشخص نیست و کارشناسان نمی‌دانند دقیقا چه موادی منفجر شده و چه موادی در پی آن سوخته‌اند، نمی‌توانند به طور دقیق درباره پیامدهای زیست محیطی این فاجعه نظر دهند.

سایت "پیام ما" که در زمینه توسعه پایدار اطلاع‌رسانی می‌کند، در گفت‌وگو با دو کارشناس به پیامدهای احتمالی انفجار بندرعباس بر زیست بوم منطقه پرداخته است.

آریا وزیرزاده، عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی منابع طبیعی و محیط زیست دانشگاه شیراز با تأکید بر این نکته که هنوز مشخص نیست چه موادی سوخته و وارد جو و آب شده‌اند و با فرض اینکه "بخش اعظم انفجار ناشی از احتراق ترکیبات نفتی و مشتقات آن بوده است" می‌گوید: «اگر این فرضیه ما درست باشد، دو نتیجه خواهد داشت؛ نخست اینکه بخش زیادی از این ترکیبات وارد جو شده‌اند و علاوه بر آلودگی‌های جوی و ایجاد مشکلات برای ساکنین منطقه، در نهایت از طریق نزولات جوی وارد دریا می‌شوند. دوم اینکه بخشی از دوده و ترکیبات هیدروکربنی که یا نسوخته‌اند یا به هر طریقی وارد جو نشده‌اند، در نتیجه عملیات لکه‌گیری و شستشو به دریا ریخته می‌شوند».

به گفته این استاد دانشگاه، آلودگی‌های نفتی می‌توانند آسیب جدی به "جنگل‌های مانگرو، صخره‌های مرجانی، بسترهای جلبکی و دیگر گیاهان آبرزی حساس به آلودگی وارد کرده و تعادل اکوسیستم دریایی را برهم بزنند."



کاهش باروری مهره‌داران

ایمان ابراهیمی به اثرات دیگر انفجار بندرعباس بر گونه‌های جانوری اشاره کرده و از جمله می‌گوید "بسیاری از مواد شیمیایی آزاد شده می‌تواند به کاهش باروری گونه‌های مهره‌دار، از جمله پرندگان، منجر شوند". و متأسفانه این تغییرات باروری به راحتی قابل مشاهده نیستند و اثرات آن در بلندمدت پدیدار می‌شوند.

این حفاظتگر نتیجه می‌گیرد که "در چنین شرایطی، اهمیت نظارت‌های بلندمدت بیشتر نمایان می‌شود؛ زیرا تنها از طریق گردآوری و تحلیل مستمر داده‌ها می‌توان به نتایج معناداری در زمینه تأثیرات چنین وقایعی دست یافت."

هیچگونه آلودگی وارد خلیج فارس نشده است

همزمان بانگرانی‌های ناشی از انفجار در بندر شهید رجایی، مدیر کل حفاظت محیط زیست استان هرمزگان، گفته برای جلوگیری از ورود آلودگی ناشی از انفجار به آب‌های خلیج فارس، سدهای خاکی ایجاد شده و "این اقدامات موجب شد که هیچ‌گونه آلودگی وارد خلیج فارس نشود."

حبیب مسیحی تازیانی در گفت و گو با خبرگزاری

ایسنا تأکید کرده است: «هیچ نشت محسوسی یا انتشار مواد سمی در حادثه رخ نداده است و خوشبختانه با مدیریت دقیق، آثار آلودگی کنترل شده است.» او گفته برآورد میزان خسارت‌های زیست محیطی به "مراحل پس از مدیریت بحران" موکول شده است.

این مقام مسئول درباره مواد رهاسده در طبیعت تنها به این نکته بسنده کرده که این مواد "مشتقات نفتی مثل قیر و ترکیبات مشابه" بوده‌اند.

مسیحی در ادامه گفته است: «برای جلوگیری از آلودگی خلیج فارس، سدهای خاکی در کانال اصلی ایجاد شد. ابعاد کانال مناسب مدیریت این کار بود و در طول حدود پنج تا شش کیلومتر، دو طرف کانال بسته شد. آب‌های مورد استفاده برای اطفای حریق هم به

البته این کارشناس تأکید می‌کند که برخی باکتری‌ها و قارچ‌ها قادر به تجزیه این آلودگی‌ها خواهند بود اما ترکیباتی که ماندگاری بالایی دارند می‌توانند ته‌نشین شده و در سال‌های آینده به تدریج آزاد شوند. در این صورت "یک منبع آلودگی پایدار و دائمی" ایجاد می‌شود که "نه تنها برای آبزیان، بلکه برای انسان نیز به عنوان مصرف‌کننده نهایی این آبزیان مشکلاتی به همراه دارد."

از جمله تأثیرات این آلودگی‌های پایدار بر روی انسان، تأثیر روی سیستم ایمنی بدن، سیستم عصبی و غدد درون ریز است.

این استاد دانشگاه اما راه‌حلی نیز برای جلوگیری از این مشکل ارائه داده و می‌گوید:

«نخستین نکته این است که در فرآیند شست‌وشو و پاکسازی، نهایت دقت به عمل آید تا فاضلاب حاصل از شست‌وشو وارد دریا نشود. در صورتی که این مسئله رعایت شود، کمک قابل‌توجهی به جلوگیری از ورود آلودگی به دریا خواهد شد؛ در غیر این صورت، آلودگی‌ها وارد محیط دریایی شده و مشکلات گفته‌شده را ایجاد می‌کنند.»

تأثیر صدای انفجار بر پرندگان

"ایمان ابراهیمی" فعال محیط زیست درباره اثرات صدای ناشی از انفجار بر روی پرندگان منطقه به سایت "پیام ما" می‌گوید: «پرندگان در مواجهه با این شوک صوتی معمولاً منطقه را ترک می‌کنند.

هرچند این ترک منطقه اثر دائمی ندارد و آنان به مرور بازمی‌گردند، اما با توجه به فصل زادآوری، این ترک موقت می‌تواند باعث از بین رفتن تخم‌ها و جوجه‌ها شود و در نتیجه یک چرخه تولیدمثل از دست برود».

ابه گفته این حفاظتگر، صدای انفجار می‌تواند بر گونه‌های جانوری دیگر هم تأثیر بگذارد و موجب فرار آنها از زیستگاه‌هایشان شود. همچنین به گفته او "اثرات بلندمدت انفجار به ورود آلودگی‌های شیمیایی به هوا و دریا مرتبط است که نظارت بر این اثرات به شدت دشوار است."



در سیستان و بلوچستان؛ سرزمین تفتیده‌ای که هر قطره آب معنای زندگی دارد، رود هیرمند شاه‌رگی حیات‌بخش است. اهمیت رود هیرمند برای ایران، انکارناپذیر است. امروز اما حق‌آبه دریغ شده آن از یک موضوع صرفاً محیط زیستی فراتر رفته و به چالشی ژئوپلیتیکی و حتی امنیتی در روابط تهران و کابل بدل شده است. این بحران پیچیده و چند وجهی، یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های مناقشه بر سر منابع آبی مشترک در جنوب‌غرب آسیا است.

خشک‌شدن مجموعه تالاب‌های این حوضه از جمله هامون‌های پوزک، صابری و هیرمند مهم‌ترین حق‌آبه‌داران این منطقه هستند که به‌خاطر برداشت‌های انسانی، تبدیل به بیابان شده‌اند، بیابان‌هایی که منابع مهم گرد و خاک منطقه در هنگامه بادهای طولانی سیستان هستند. اما مشکل بزرگی که معمولاً از چشم بخش بزرگی از ایرانیان پنهان می‌ماند، انتقال بخش بزرگی از آب هیرمند به چاه‌نیمه‌ها است. در بعضی از سال‌ها که ایران سهم خود از هیرمند را دریافت کرده، چیزی بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از ورودی رودخانه به داخل چاه‌نیمه‌ها منتقل شده است. با وجود آنکه ذخیره مفید چاه‌نیمه‌ها در سال‌های پرآب تقریباً ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون مترمکعب است، اما بخش زیادی از این آب به‌خاطر تابش مستقیم نور خورشید و گرمای بالا، تبخیر می‌شود.

چاه‌نیمه‌ها اگرچه از سوی ژاپنی‌ها به عنوان یک راه علاج برای مدیریت آب هیرمند برای جمعیت منطقه معرفی شده بودند، اما بی‌توجهی به مساله تبخیر، باعث شد که این نحوه کار به‌خوبی اثربخش نباشد. از منظر محیط زیستی، انتقال آب از هامون‌ها به چاه‌نیمه‌ها، اکوسیستم‌های طبیعی را تحت تأثیر منفی قرار داد و جمعیت محلی نیز به واسطه محرومیت از امکاناتی که هامون‌ها برای ماهی‌گیران و مردمان محلی ایجاد می‌کرد، آسیب دید.

معیشت هزاران خانواده سیستانی به هامون‌ها وابسته است که اکنون تنها در بازه‌های کوتاه و با بارش‌های فصلی، جانی دوباره می‌گیرند. ماهی‌گیران، کشاورزان و دامداران منطقه، قربانیان خاموش این بحران فراملی هستند. در کنار آن، انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی، مهاجرت اجباری، افزایش بیکاری، و

این کانال‌ها هدایت شد. با این شرایط حتی یک ذره از آلودگی‌ها وارد آب‌های ساحلی و دریایی نشد.»

مدیرکل حفاظت از محیط زیست هرمزگان همچنین تصریح کرد: «نشستی یا انتشار مواد سمی وجود نداشت و اغلب ترکیبات نفتی در کانتینرها موجود بود.»

با وجود این اظهارات تا زمانی که کارشناسان مستقل این داده‌ها را تایید نکنند، نمی‌توان درباره صحت و سقم آن نظر قطعی داد.

منبع: دویچه وله فارسی

حقابه هیرمند: کهنه نزاع ایران و افغانستان بر سر آب

روزبه اسکندری

حل و فصل مسئله هیرمند می‌تواند زمینه‌ساز کاهش سایر تنش‌های آبی، به‌ویژه در مرز هریود، باشد، تنش‌هایی که در گذشته، مانند کشته‌شدن شهروندان افغان به دست مرزبانان ایرانی، به فاجعه انجامیده‌اند، نباید فراموش یا تکرار شوند.



راه صلح از مسیر شفافیت، مسئولیت‌پذیری و احترام متقابل می‌گذرد، نه از بی‌اعتمادی و پنهان‌کاری.

روزبه اسکندری - حل و فصل مسئله هیرمند می‌تواند زمینه‌ساز کاهش سایر تنش‌های آبی، به‌ویژه در مرز هریود، باشد، تنش‌هایی که در گذشته، مانند کشته‌شدن شهروندان افغان به دست مرزبانان ایرانی، به فاجعه انجامیده‌اند، نباید فراموش یا تکرار شوند. راه صلح از مسیر شفافیت، مسئولیت‌پذیری و احترام متقابل می‌گذرد، نه از بی‌اعتمادی و پنهان‌کاری.



انحراف و مهارسازی هدمند آب، در بالادست ناامنی منطقه‌ای و در نهایت بی‌اعتمادی دوجانبه روبه‌رو بوده است.

یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های ایران در سال‌های اخیر، ساخت و بهره‌برداری از سد کمال‌خان در نزدیکی مرز ایران بوده است. گفته می‌شود که این سد، بدون اطلاع و هماهنگی با جمهوری اسلامی ایران، و توانایی مهار و ذخیره‌سازی بخش قابل توجهی از آب رود هلمند را دارد. عملاً، سد کمال‌خان می‌تواند تا حد زیادی باعث توقف جریان حقابه‌ی ایران شود.

پیش از آن نیز سد کجکی در بالادست رودخانه، نقشی مهمی در کنترل و تنظیم جریان آب هیرمند ایفا می‌کرد. ساخت این سدها بدون انجام ارزیابی جامع اثرات محیط زیستی، نه تنها تخلف از اصول توسعه پایدار، بلکه نقض صریح ملاحظات محیط زیستی پایین‌دست محسوب می‌شود.

افغانستان با توسعه زیرساخت‌های آبی خود، تلاش دارد از منابع این رودخانه به‌طور حداکثری برای توسعه کشاورزی و تولید برق بهره‌برداری کند، اقدامی که از منظر حق حاکمیت سرزمینی قابل درک است. با این حال، وقتی این توسعه بدون در نظر گرفتن تعهدات بین‌المللی، ملاحظات پایین‌دست و اصل حسن همجواری انجام می‌شود، نه تنها مشروعیت آن زیر سؤال می‌رود، بلکه زمینه‌ساز بحران‌های انسانی و محیط زیستی در شرق ایران نیز خواهد بود. خشک شدن مجموعه تالاب‌های سه‌گانه منطقه هامون، افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی، افزایش فرسایش خاک و وقوع پیاپی طوفان‌های گردوغبار در منطقه سیستان، از پیامدهای مستقیم قطع یا کاهش جریان رودخانه است.

این وضعیت، ده‌ها هزار کشاورز و دامدار را به حاشیه رانده و موجب افزایش مهاجرت اجباری و فقر چندبعدی در یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور شده است.

در چنین شرایطی، بی‌توجهی به ضرورت ارزیابی اثرات محیط زیستی برای هرگونه پروژه سدسازی یا انتقال آب در سراسر حوضه هیرمند، یک غفلت راهبردی است که می‌تواند بنیان‌های زندگی و بوم‌شناسی منطقه را به شکل برگشت‌ناپذیری مختل کند. بدون اجرای این

رشد آسیب‌های اجتماعی در منطقه، چشم‌اندازی نگران‌کننده را از بحران‌های آتی امنیتی ترسیم می‌کند.

جنگ حقابه، نزاعی به درازای تاریخ

رود هیرمند یا هلمند، با بیش از ۱۱۰۰ کیلومتر طول، از کوه‌های بابا در افغانستان سرچشمه گرفته و پس از گذر از سرزمین‌های وسیع از این کشور، وارد ایران می‌شود تا زندگی را به تالاب هامون و دشت سیستان ببخشد. اما این جریان حیاتی، در سایه درگیری‌های منطقه‌ای و نبود مدیریت مشترک سازنده، با چالش‌های فراوانی روبه‌رو شده است.

در سال ۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۷۳ میلادی)، ایران و افغانستان با هدف حل و فصل تنش‌های آبی - که چند دهه ادامه داشت - سرانجام توافقنامه‌ای به نام دلتا را امضا کردند که بر اساس آن، افغانستان متعهد شد سالانه اجازه ورود ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب را به ایران بدهد. اما این تعهد، در عمل طی سالیان متوالی، به‌ندرت به‌طور کامل اجرا شده است. در سال‌های اخیر، افغانستان - به‌ویژه با بازگشت طالبان به قدرت - بارها اعلام کرده که کاهش بارندگی، تغییر اقلیم، و خشکسالی، اجازه اجرای کامل توافق ۱۳۵۱ را نمی‌دهد. در مقابل، ایران با ارجاع به مفاد روشن پیمان و اصول حقوق بین‌الملل، خواهان اجرای بی‌قید و شرط تعهدات طرف مقابل است.

جنگ‌های داخلی فرساینده، فروپاشی ساختارهای حکومتی در افغانستان و بعدها حضور طالبان در قدرت، اجرای این توافق را با وقفه‌های پیاپی مواجه کرد.

پرسش کلیدی اینجاست: اگر تغییرات اقلیمی تا این اندازه بر منابع آب رودخانه تأثیر گذاشته، چرا افغانستان به‌طور هم‌زمان اقدام به توسعه ساخت و سازهای هیدرولیکی می‌کند؟ این ناهمخوانی، نشانه‌ای از رویکردی ناپایدار و سودجویانه در مدیریت منابع مشترک آب است که گفت‌وگوی عادلانه و موثر را دشوار می‌سازد.

وقتی سدها مسیر دیپلماسی را می‌بندند

در دهه‌های پرتنش گذشته، بهره‌برداری از این رود با درگیری‌های سیاسی، ساخت و سازهای هیدرولیکی و



و مشارکت فعال جامعه محلی در فرآیندهای تصمیم‌سازی، از ضروری‌ترین اصلاحات داخلی ایران است. بدون مشارکت جوامع محلی - اعم از کشاورزان، شوراهای و دانشگاه‌ها، هیچ توافقی پایدار نخواهد ماند.

پروژه‌های مشترک منطقه‌ای، از مشاغل جایگزین و آموزش بهره‌وری آب تا همکاری در حوزه انرژی خورشیدی و مقابله با بیابان‌زایی، می‌توانند وابستگی متقابل مثبت و انگیزه‌های اقتصادی برای صلح ایجاد کنند. رودخانه‌ها، اگر با درایت و انصاف مدیریت شوند، به‌جای مرزهای خصومت، به پل‌هایی برای پیوند ملت‌ها بدل خواهند شد.

حل و فصل مسئله هیرمند می‌تواند زمینه‌ساز کاهش سایر تنش‌های آبی، به‌ویژه در مرز هریود، باشد، تنش‌هایی که در گذشته، مانند کشته‌شدن شهروندان افغان به دست مرزبانان ایرانی، به فاجعه انجامیده‌اند، نباید فراموش یا تکرار شوند. راه صلح از مسیر شفافیت، مسئولیت‌پذیری و احترام متقابل می‌گذرد، نه از بی‌اعتمادی و پنهان‌کاری.

رادیو زمانه

محیط زیست؛ حلقه ناپیدای مدیریت بحران در بندر شهید رجایی

اعظم بهرامی

پنهان‌کاری و شفاف نبودن درباره دلیل و وسعت فاجعه باعث شد که تبعات انسانی و زیست‌محیطی حادثه، از باقی‌مانده‌های خاکستر و مواد سوخته تا آلاینده‌های مایع سطح اسکله، ناروشن و غیرقابل مدیریت باقی بماند.

در ساعات ابتدایی پس از حادثه بندر شهید رجایی، وزارت بهداشت تنها به هشدار درباره احتمال انتشار گازهای آلاینده‌ای مانند دی‌اکسید گوگرد، دی‌اکسید نیتروژن و نیترات آمونیاک بسنده کرد و توصیه‌اش در این شرایط بحرانی به مردم، صرفاً ماندن در خانه بود؛ گویی با یک روز آلوده عادی در تهران یا خوزستان مواجه‌ایم. ایسنا نیز طی ۴۸ ساعت پس از حادثه، اعلام کرد آلاینده عمده در هوا «هیدروکربن» بوده که ناشی از

ارزیابی‌ها، هر طرح توسعه‌ای عملاً به یک مداخله بدون آینده‌نگری تبدیل می‌شود، خواه در خاک افغانستان باشد، خواه در ایران.

راهی به‌سوی آینده؛ دیپلماسی آب و مدیریت مشارکتی

حل بحران حقابه رود هیرمند، دیگر صرفاً یک مسأله محیط زیستی یا مرزی نیست، بلکه به آزمونی تاریخی برای دیپلماسی منطقه‌ای، عدالت محیط زیستی و ثبات اجتماعی بدل شده است. در جهانی که آب به‌سرعت به منبعی راهبردی و مناقشه‌برانگیز تبدیل می‌شود، همکاری ایران و افغانستان بر سر این رودخانه می‌تواند الگویی برای حل تنش‌های مشابه در آسیای غربی باشد.

یکی از چالش‌های مغفول، بی‌توجهی به سرشاخه‌های فصلی رودخانه در داخل خاک ایران و فقدان داده‌های شفاف درباره آن‌هاست. تشکیل یک کمیسیون مشترک آب‌شناسی با نظارت نهادهای بی‌طرف بین‌المللی همچون FAO یا UNEP، می‌تواند زمینه‌ساز شفاف‌سازی داده‌ها و بازسازی اعتماد متقابل شود.

نصب تجهیزات اندازه‌گیری روی سدها، استفاده از داده‌های ماهواره‌ای، و راه‌اندازی سامانه‌های شفاف به زبان‌های رسمی دو کشور، اعتمادسازی را از سطح شعار به سطح اقدام منتقل می‌کند.

در سطح دیپلماتیک، توافق‌نامه‌ای جدید، مبتنی بر اصول کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل، می‌تواند جایگزین سازوکارهای ناکارآمد گذشته شود، مشروط بر آن‌که دارای ضمانت اجرا و سازوکار داور مستقل باشد.

اما مسئولیت صرفاً متوجه حاکمان افغانستان نیست، سهل‌انگاری ساختاری دولت جمهوری اسلامی نسبت به بحران مزمن سیستان و بلوچستان، همراه با سیاست‌های مرکز گرایانه و سرمایه‌گذاری حداقلی در زیرساخت‌های حیاتی، مردم این منطقه را در وضعیتی دشوار و شکننده قرار داده است.

بازنگری در نحوه تصمیم‌گیری درباره منابع آب، اجرای ارزیابی اثرات محیط زیست در همه پروژه‌های عمرانی،



کمتر از ۲۴ ساعت پس از حادثه، نقشه جهانی آلاینده‌ها نشان می‌داد که هوای بندرعباس پاک‌تر از مشهد است! اما هیچ گزارشی از قطع شدن یا خراب بودن ایستگاه‌های سنجش منتشر نشد.

مسئول پایش محیط زیست استان هرمزگان گفته تنها در بندر لنگه، بندر خمیر، بندر جاسک و بندرعباس ایستگاه وجود دارد، و در برخی مناطق نیز صنایع ایستگاه‌هایی نصب کرده‌اند که اطلاعاتشان به‌صورت آنلاین دریافت می‌شود.

واقعیت این است که در محل حادثه، هیچ پایش میدانی و نقطه‌ای انجام نشده و حتی مرکز اقلیم سازمان محیط زیست و دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان نیز هنوز گزارشی درباره منشأ و شدت آلودگی منتشر نکرده‌اند.

نهادهای موازی، پرشمار و بی‌کارکرد

سازمان محیط زیست، هلال احمر، مدیریت اقلیم، مدیریت بحران، وزارت بهداشت، سازمان بنادر و پدافند غیرعامل تنها بخشی از نهادهایی هستند که موظف به کنترل و گزارش بحران‌اند، اما نه توان ورود به بحران دارند، نه آموزش دیده‌اند و نه تجربه کافی دارند.

ناهماهنگی به‌حدی است که رییس کمیسیون کشاورزی و محیط زیست مجلس تقاضای تشکیل کمیته اضطراری آلودگی هوا می‌کند، در حالی که سازمان گمرک اعلام کرده کارکنانش تنها یک روز پس از حادثه، با وجود جراحت، به محل کار برگشته‌اند.

شرایط صیادان هم مبهم است. با وجود تصاویر ماهواره‌ای از آلودگی بخشی از خلیج فارس، هیچ اطلاعاتی از سوی سازمان شیلات در خصوص سلامت آب یا آبریان منتشر نشده است.

در صورت صحت فرضیه استفاده نظامی از بندر تجاری (با توجه به سابقه سپاه)، مسئولیت سنگینی متوجه سازمان پدافند غیرعامل است؛ نهادی که خود در بسیاری از بحران‌های زیست‌محیطی و امنیتی نقش داشته و بودجه‌های عظیمی صرف پروژه‌هایی چون بارورسازی ابرها یا استخراج آب از اعماق کرده است. در این میان، شرکت افق چکاد دریاطی نامه‌ای خواستار

سوختن مشتقات نفتی است، اما این خبر به‌سرعت حذف شد.

پنهان‌کاری و شفاف نبودن درباره دلیل و وسعت فاجعه باعث شد که تبعات انسانی و زیست‌محیطی حادثه، از باقی‌مانده‌های خاکستر و مواد سوخته تا آلاینده‌های مایع سطح اسکله، ناروشن و غیرقابل مدیریت باقی بماند.

برخی گزارش‌ها به دپوی ناصحیح کانتینرهای حاوی مواد شیمیایی به‌عنوان دلیل فاجعه اشاره داشتند، اما بررسی گزارش‌های ورود و خروج اسکله در روزهای پیش از حادثه، احتمال انفجار مواد با کاربرد نظامی را نیز مطرح می‌کند؛ موضوعی که اگر درست باشد، پیامدهای گسترده‌ای دارد.

اگر منشأ آتش‌سوزی بندر شهید رجایی، سدیم پرکلرات باشد، آنگاه با تولید گازهایی همچون کلر، هیدروژن کلرید و ذرات پرکلرات مواجهیم که همگی برای انسان و محیط زیست بسیار خطرناک‌اند.

ترکیبات سمی کلردار نیز ماندگاری بالایی دارند و مهار آن‌ها مستلزم پایش فوری هوا و آب و جلوگیری از نشت به خلیج فارس است.

در چنین بحران‌هایی، ضروری است که در کوتاه‌ترین زمان کانتینرهای بیشتر ایزوله شده و از آتش دور نگه داشته شوند، و مسیرهای احتمالی نشت آلاینده‌ها به دریا مسدود گردد.

مدیر حفاظت محیط زیست هرمزگان اعلام کرده که در برابر کانال‌های اصلی برای جلوگیری از نشت آلودگی به خلیج فارس، سدهای خاکی احداث شده است.

اما دفتر مدیریت بحران از ورود مازوت و قیر مذاب حاصل از انفجار به یکی از آبراهه‌های اصلی خبر داده است؛ اتفاقی که می‌تواند آب‌شیرین‌کن‌ها را مختل کند و منجر به آلودگی آبریان و منابع آبی خلیج فارس شود.

همچنین گزارش‌هایی از تخریب یکی از سایت‌های آب‌شیرین‌کن نیز منتشر شده است. سؤال اینجاست: چرا وزارت نفت برنامه و فناوری مناسب برای کنترل آلاینده‌ها ندارد؟ این ضعف مدیریتی در حوادث پیشین نیز بارها دیده شده است.



وضعیت کنونی سدها بسیار نگران کننده است؛ مجبوریم فشار آب را کاهش دهیم

محسن اردکانی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب تهران: مجبوریم فشار آب را کاهش دهیم؛ ظرف دو تا سه ماه تمام ذخایرمان تمام می شود! «وضعیت سدها بسیار نگران کننده است؛ مجبوریم فشار آب را کاهش دهیم». این جمله تلخ از مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب تهران گویای وضعیت سختی است که در بخش آب پیش رو داریم. به عقیده او، احتمالاً «ظرف دو تا سه ماه تمام ذخایرمان تمام می شود و دیگر نمی توانیم پاسخگوی نیاز مردم باشیم».

خبر تلخی که از هم اکنون با قطع آب شرب در بسیاری از مناطق، چهره واقعی خشکیدگی آبی را در کشور به نمایش می گذارد. در گذشته مشکل اصلی کشور در حوزه آب به کمبود در دو حوزه کشاورزی و صنعت مربوط بود؛ مواردی که به تاراج آبی در بسیاری از دشت های کشور منجر شد.

با این حال ۹ برابر شدن جمعیت ایران در یک قرن گذشته و همزمانی آن با کاهش شدید میانگین بارش ها سبب شده تا تاراج آبی از حوزه صنعت و کشاورزی فراتر رود. قرار گرفتن تفکر «تامین تقاضا» به جای «مدیریت تقاضا» در مرکز سیاست گذاری آب، زمینه ساز سرایت بحران به حوزه شرب شده است.

حکمرانی نادرست آب در بسترهای مختلف را باید از دلایل اصلی بروز چنین چالشی در کشور دانست. یک پژوهشگر دیپلماسی آب معتقد است: در شرایطی که ساختار و نهاد آبی در حوزه حکمرانی ایراد دارد، با اتکا به فناوری و تکنولوژی، نمی توان به حل و فصل مسائل پرداخت. بخشی دیگر از مشکلات از سیاست گذاری در حوزه آب نشأت می گیرد. درهمین حال سهمی از چالش ها را باید به حکمرانی ناصحیح آب نسبت داد.

دنیای اقتصاد

جهت تماس با بولتن محیط زیست

bulletinenviro@gmail.com

تخلیه فوری ۸۳ کانتینر مواد خطرناک از محوطه بندر شده است. شرکتی که تنها مجوز حمل دریایی کالاهای خطرناک را دارد و زیرمجموعه شرکت خدمات دریایی سیناست که به نهاد رهبری و وزارت دفاع وابسته است.



با وجود این اطلاعیه نه برای پیشگیری یا حتی شفافیت، بلکه ابزاری امنیتی برای بستن راه پرسشگری و فرار رو به جلو در راستای منافع اقتصادی سپاه است.

آنچه باید می شد اما نشد

در ایران، مرزی میان مدیریت حادثه و بحران وجود ندارد. گروه های تخصصی برای مقابله با بحران های زیست محیطی آموزش ندیده اند و نهادها از مسئولیت شانه خالی می کنند.

این بی عملی در برابر پروتکل های جهانی قابل مشاهده است؛ مانند کنوانسیون رامسر یا کویت (۱۹۷۸) که درباره حفاظت از خلیج فارس در برابر آلودگی های صنعتی است و ایران یکی از امضاکنندگان آن است.

سایت رادیو زمانه



اخبار محیط زیست جهان

۱۰ درصد ثروتمندان جهان، عامل دو سوم گرمایش زمین

دانشمندان بریتانیایی در حال آماده‌سازی برای آغاز آزمایش‌هایی هستند که هدف آن کاهش دمای زمین از طریق بازتاب بخشی از نور خورشید به جو است. این روش جنجالی، بخشی از تلاش‌ها برای مهار گرمایش جهانی در کوتاه‌مدت به شمار می‌رود.

بر اساس گزارش روزنامه تلگراف، دولت بریتانیا قصد دارد تا سقف ۵۰ میلیون پوند بودجه برای این آزمایش‌ها اختصاص دهد. این اقدام در ادامه تعهد ۱۰ میلیون پوندی «شورای تحقیقات محیط‌زیست ملی» در سوم آوریل برای بررسی راهکارهای مدیریت تابش خورشیدی (SRM) انجام می‌شود.

هدایت این پروژه را پروفیسور «مارک سیمز» بر عهده دارد که رئیس آژانس تحقیقاتی پیشرفته دولت موسوم به «آریا» است. او اعلام کرده که آزمایش‌های پیش‌رو شامل آزمایش‌های کنترل‌شده در فضای باز خواهد بود که بر روش‌های خاصی تمرکز دارند. از جمله روش‌هایی که مورد بررسی قرار می‌گیرند، تزریق آئروسول‌های ریز به لایه‌های بالایی جو و افزایش بازتابندگی ابرها برای برگشت نور خورشید به فضا است.

سایت اخبار 24

دادگاه نیوکاسل دو مرد را به اتهام قطع یک درخت کهنسال در منطقه نورث‌آمبرلند محاکمه کرد.

در تابستان سال ۲۰۲۴، درخت صنوبری که در قرن ۱۹ میلادی در محل ویرانه‌های دیوار تاریخی هادریان در شمال انگلستان کاشته شده بود، به دست دو مرد قطع شد.

دنیل مایکل گراهام و آدام کاروترز، با استفاده از اهر برقی و گوه، یک اصله صنوبر تاریخی معروف به «سیکامور گپ» را قطع کرده بودند. آن‌ها از روند این کار فیلم گرفته و آن را در فضای مجازی منتشر کرده بودند.

آقای گراهام و آقای کاروترز، اتهامات دادگاه مبنی بر قطع درخت و صدمه به دیوار باستانی مربوط به دوران امپراتوری روم را رد کرده بودند.



تحقیقات نشان می‌دهد که ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد جهان مسئول دو سوم از انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند.

این موضوع نشان‌دهنده نابرابری‌های اقتصادی و تأثیرات منفی آن بر تغییرات اقلیمی است.

سایت دویچه وله

"دانشمندان برای مقابله با "گرمایش زمین به دنبال کم کردن نور خورشید هستند





حیاتی، یعنی آب، به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است.

هند و پاکستان، دو همسایه پرتنش در جنوب آسیا، سال‌هاست که بر سر منابع آبی مشترک خود، به‌ویژه رودخانه سند، درگیر مناقشات هستند که می‌تواند آینده این منطقه را بیش از هر جنگی تهدید کند.

این مقاله به ریشه‌ها، تحولات اخیر و پیامدهای این بحران می‌پردازد و نشان می‌دهد که حتی قدرت بمب اتم هم نمی‌تواند جایگزین قطره‌ای آب شود.

رود سند: نبض حیات در جنوب آسیا

رود سند و شاخه‌های اصلی آن (جهلوم، چناب، راوی، بیاس و ستلج) شبکه‌ای حیاتی از منابع آبی را تشکیل داده‌اند که زندگی بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در پاکستان و بخش‌هایی از هند به آن وابسته است.

این رود از فلات تبت در چین سرچشمه می‌گیرد، از کشمیر عبور می‌کند، قلب پاکستان را سیراب می‌کند و در نهایت به دریای عمان می‌ریزد. حوضه آبریز سند، منطقه‌ای به وسعت ۱.۱۲ میلیون کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد و بین چهار کشور چین، هند، افغانستان و پاکستان تقسیم شده است. (World Bank, 2004)



بر اساس گزارش بانک جهانی، رود سند ۹۰ درصد آب مورد نیاز کشاورزی پاکستان را تأمین می‌کند و حدود یک‌چهارم اقتصاد این کشور به آن وابسته است (World Bank, 2004). اما موقعیت جغرافیایی این رود، هند را



دادستان‌ها کار این دو نفر را «ماموریتی احمقانه» توصیف کردند که طی آن از «روند عمل مجرمانه خود فیلم گرفته و شواهد را نگه داشته بودند.»

درخت «سیکامور گپ» از جاذبه‌های طبیعی و تاریخی شمال انگلستان بود.

بی بی سی

بمب اتم هم آب نمی‌شود: تنش آبی بین هند و پاکستان و پیامدهای هیدروپلیتیکی آن

منصور سهرابی

در جهانی که منابع طبیعی روزبه‌روز کمیاب‌تر می‌شوند، تنش‌های آبی میان هند و پاکستان نشان‌دهنده چالش‌های بزرگی است که فراتر از قدرت نظامی و هسته‌ای عمل می‌کنند.

در جهانی که کشورها به قدرت نظامی و زرادخانه‌های اتمی خود می‌بالند، یک منبع طبیعی به ظاهر ساده اما



رود جهلوم و سد راتله بر رود چناب از جمله این پروژه‌ها هستند که نگرانی‌های جدی برای پاکستان ایجاد کرده‌اند. (Permanent Court of Arbitration, 2013). پاکستان معتقد است این سدها جریان آب حیاتی به این کشور را کاهش می‌دهند و بارها به دادگاه داوری بین‌المللی شکایت برده است. در پرونده کشن‌گنگا در سال ۲۰۱۳، دادگاه حکم داد که هند می‌تواند سد را بسازد، اما باید حداقل جریان زیست‌محیطی را حفظ کند. (Permanent Court of Arbitration, 2013) با این حال، اختلافات بر سر جزئیات فنی همچنان ادامه دارد و گزارش گروه بحران بین‌المللی هشدار داده که این تنش‌ها می‌توانند به بحران‌های شدیدتری منجر شوند (International Crisis Group, 2023).

تحولات اخیر: تنش‌ها در سال ۲۰۲۵

در ۲۲ آوریل ۲۰۲۵، یک حمله تروریستی مرگبار در منطقه پهلگام کشمیر، که تحت کنترل هند است، جان ۲۶ گردشگر را گرفت. (The New York Times, 2025). هند این حمله را به گروه‌های شبه‌نظامی مستقر در پاکستان نسبت داد و در واکنش، در ۲۳ آوریل اعلام کرد که مشارکت خود در معاهده آب سند را تعلیق می‌کند. (The New York Times, 2025). این تصمیم بخشی از اقدامات هند برای کاهش روابط دیپلماتیک با پاکستان بود که شامل بستن مرزها و کاهش سطح سفارتخانه‌ها نیز می‌شد. پاکستان این اقدام را به شدت محکوم کرد و آن را «اقدام جنگی» خواند.

به نقل از الجزیره، پاکستان هشدار داد که هرگونه تلاش برای متوقف کردن یا تغییر جهت جریان آب، عملی جنگی تلقی خواهد شد (Al Jazeera, 2025). این کشور همچنین اعلام کرد تمام توافق‌نامه‌های دوجانبه با هند، از جمله توافق‌نامه سیملا، را تا زمانی که هند از حمایت از تروریسم و کشتارهای فرامرزی دست نکشد، معلق می‌کند. این تحولات، آب را به ابزاری استراتژیک در روابط دوجانبه تبدیل کرده و تنش‌ها را به اوج جدیدی رسانده است.

پیامدهای اقتصادی و اجتماعی: بحرانی چندوجهی

تعلیق معاهده آب سند می‌تواند پیامدهای فوری و بلندمدتی برای پاکستان داشته باشد. ایالت‌های پنجاب و سند، که مراکز اصلی کشاورزی این کشور

در جایگاه کشور بالادست و پاکستان را در جایگاه پایین‌دست قرار داده و همین موضوع، رابطه‌ای نامتقارن در دسترسی به آب ایجاد کرده است. برای پاکستان، سند نه تنها یک منبع آبی، بلکه شاه‌رگ حیات است؛ در حالی که هند از موقعیت خود برای تولید برق و مدیریت منابع آبی بهره می‌برد. (Chellaney, 2011) این وابستگی متقابل اما نابرابر، زمینه‌ساز تنش‌های مداوم میان دو کشور شده است.

ریشه تاریخی: مناقشه‌ای از زمان استقلال

مناقشه آبی میان هند و پاکستان به سال ۱۹۴۷، زمان استقلال این دو کشور از هند بریتانیایی، بازمی‌گردد.

تقسیم شبه‌قاره، حوضه رودخانه سند را بین دو کشور جدید شکافت و چالش‌های جدی برای مدیریت منابع آبی ایجاد کرد. (Briscoe & Qamar, 2005). در سال ۱۹۴۸، هند برای اولین بار جریان آب به پاکستان را متوقف کرد که بحران شدیدی در کشاورزی این کشور به دنبال داشت. (Iyer, 2007) این اقدام، ضرورت یک توافق رسمی را نشان داد.

پس از مذاکرات طولانی، در سال ۱۹۶۰، معاهده آب سند با میانجی‌گری بانک جهانی امضا شد. این معاهده، رودخانه‌های شرقی (راوی، بیاس و ستلج) را به هند و رودخانه‌های غربی (سند، جهلوم و چناب) را به پاکستان واگذار کرد و به هند اجازه داد از رودخانه‌های غربی برای مصارف غیرتجاری مانند تولید برق استفاده کند، مشروط بر اینکه جریان آب به پاکستان مختل نشود. (Indus Waters Treaty, 1960) این معاهده، علی‌رغم سه جنگ میان دو کشور (۱۹۴۷، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱) و تنش‌های متعدد در کشمیر، برای بیش از شش دهه پابرجا مانده و نمونه‌ای موفق از مدیریت منابع آبی مشترک تلقی می‌شود. اما عوامل جدیدی مانند تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت و پروژه‌های زیرساختی، این توافق را به چالش کشیده‌اند (Wolf, 2010).

معاهده آب سند: توافقی در معرض خطر

در دهه‌های اخیر، هند با استفاده از حق خود برای تولید برق، پروژه‌های سدسازی متعددی را در رودخانه‌های غربی آغاز کرده است. سد کشن‌گنگا بر



این تهدید، حتی اگر عملی نشود، تأثیرات روانی و اقتصادی عمیقی بر پاکستان دارد. (BBC 2018)

هند از تعلیق معاهده به عنوان ابزاری برای فشار بر پاکستان جهت توقف حمایت از گروه‌های شبه نظامی استفاده می‌کند. هند معتقد است که با استفاده از موقعیت جغرافیایی خود به عنوان کشور بالادست، می‌تواند از آب به عنوان اهرم فشار بهره برد (Chellaney, 2011). اما برخی تحلیلگران معتقدند که

هند به دلیل محدودیت‌های زیرساختی نمی‌تواند به سرعت جریان آب را متوقف کند و این اقدام بیشتر یک تاکتیک روانی است. (Wolf, 2010) با این حال، این تاکتیک می‌تواند به بی‌اعتمادی میان دو کشور دامن بزند و زمینه را برای تنش‌های بیشتر فراهم کند.

تغییرات اقلیمی: تشدیدکننده بحران

تغییرات اقلیمی یکی از عوامل اصلی تشدید تنش‌های آبی است. ذوب یخچال‌های هیمالیا، که منبع اصلی آب رود سند هستند، در کوتاه مدت جریان آب را افزایش داده، اما در بلندمدت پیش‌بینی می‌شود که منابع آبی منطقه به شدت کاهش یابد. (IPCC, 2021). مطالعات نشان می‌دهد که تحت سناریوهای تغییرات اقلیمی شدید، بارندگی سالانه در حوضه بالای سند ممکن است تا ۲۰ درصد افزایش یابد، اما افزایش دما باعث ذوب سریع‌تر یخچال‌ها خواهد شد. (NASA, 2022) این امر می‌تواند به خشکسالی‌های شدیدتر و سیل‌های ناگهانی منجر شود و مدیریت آب را دشوارتر کند.

تغییر الگوهای بارندگی نیز چالش دیگری است.

به گزارش ناسا، فصل‌های خشک و مرطوب رود سند تغییرات قابل توجهی نشان می‌دهند که برنامه‌ریزی برای استفاده از آب را پیچیده‌تر می‌کند. (NASA, 2022) برای مثال، بارندگی‌های شدید در برخی مناطق باعث سیل‌های ویرانگر شده، در حالی که خشکسالی‌های طولانی مدت در مناطق دیگر، منابع آبی را کاهش داده است. این ناپایداری، همکاری میان دو کشور را دشوارتر کرده و نیاز به مدیریت مشترک منابع آبی را بیش از پیش آشکار کرده است. (Immerzeel et al., 2010).

هستند، به شدت به آبیاری از طریق کانال‌های متصل به رود سند وابسته‌اند. به گزارش رویترز، بیش از ۸۰ درصد کشاورزی و حدود یک سوم تولید برق پاکستان به منابع آبی حوضه سند وابسته است. (Reuters, 2025). کاهش دسترسی به آب می‌تواند تولید محصولات کلیدی مانند گندم، برنج و پنبه را مختل کند، قیمت مواد غذایی را افزایش دهد و ناامنی غذایی را تشدید کند.

صنعت نساجی پاکستان، که یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های صادراتی این کشور است، نیز به شدت به آب وابسته است. (Khan, 2020) توقف جریان آب می‌تواند تولید را کاهش دهد و به اقتصاد پاکستان ضربه بزند. شهرهای بزرگی مانند لاهور و کراچی، که جمعیت زیادی را تأمین می‌کنند، برای آب آشامیدنی و صنعتی به رود سند وابسته‌اند. کمبود آب در این مناطق می‌تواند به مشکلات بهداشتی و افزایش تنش‌های اجتماعی منجر شود.

از منظر اقتصادی، کاهش تولید کشاورزی می‌تواند تعادل تجاری پاکستان را مختل کند و کسری تجاری را افزایش دهد. (Ahmed, 2019)

از منظر اجتماعی، این بحران می‌تواند ناآرامی‌ها و اعتراضات مردمی را به دنبال داشته باشد. کشاورزان، که از نظر اقتصادی به آب وابسته‌اند، ممکن است دست به اعتراض بزنند و دولت را تحت فشار قرار دهند. این وضعیت می‌تواند ثبات سیاسی پاکستان را تهدید کند و سیاست‌های داخلی این کشور را تحت تأثیر قرار دهد. (Mustafa, 2013) در شهرها نیز، کمبود آب می‌تواند به مشکلات بهداشتی، افزایش بیماری‌ها و تنش‌های اجتماعی منجر شود.

هیدروپلیتیک: آب به عنوان ابزاری استراتژیک

مفهوم هیدروپلیتیک به نقش آب در روابط سیاسی و قدرت میان کشورها اشاره دارد. در مورد هند و پاکستان، آب به ابزاری برای اعمال فشار تبدیل شده است. بی‌بی‌سی در گزارشی به مفهوم «بمب آبی» اشاره می‌کند: کشور بالادست می‌تواند جریان آب را متوقف کند و سپس ناگهان آب ذخیره شده را رها کند، که باعث ویرانی در مناطق پایین دست می‌شود.



رشد جمعیت: افزایش فشار بر منابع

هند و پاکستان از پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان هستند. بر اساس گزارش بخش جمعیت سازمان ملل، جمعیت پاکستان تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۳۳۰ میلیون نفر خواهد رسید و هند نیز با عبور از چین، پرجمعیت‌ترین کشور جهان شده است.

(UN Population Division, 2022) این رشد سریع جمعیت، تقاضا برای آب را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. در حالی که منابع آبی ثابت یا در حال کاهش هستند، رقابت بر سر هر قطره آب روزبه‌روز شدیدتر می‌شود. در پاکستان، بخش عمده جمعیت به کشاورزی وابسته است و این بخش به آب رود سند نیاز دارد. (FAO, 2017) در هند نیز، ایالت‌های پرجمعیت مانند پنجاب و هاریانا به منابع آبی برای کشاورزی و تولید برق وابسته‌اند. این افزایش تقاضا، فشار بر منابع آبی را تشدید کرده و احتمال درگیری میان دو کشور را افزایش داده است. (Kugelman, 2019) در مناطق شهری، رشد جمعیت نیاز به آب آشامیدنی و زیرساخت‌های بهتر را افزایش داده، اما زیرساخت‌های موجود در هر دو کشور برای پاسخگویی به این نیازها کافی نیستند.

واکنش‌های بین‌المللی: تلاش‌هایی محدود

تاکنون واکنش‌های بین‌المللی به این بحران محدود بوده است. بانک جهانی، که نقش مهمی در میانجی‌گری مناقشات آبی میان هند و پاکستان داشته، از این تحولات ابراز نگرانی کرده، اما هنوز بیانیه رسمی منتشر نکرده است. (World Bank, 2025) سازمان ملل متحد نیز ممکن است به این موضوع واکنش نشان دهد، اما تاکنون اقدام مشخصی انجام نداده است. با توجه به سابقه این سازمان در میانجی‌گری مناقشات منطقه‌ای، انتظار می‌رود که از دو کشور بخواهد از تشدید تنش‌ها خودداری کنند و به گفت‌وگو بازگردند. (UN, 2025)

آینده‌ای نامعلوم: تهدید یا فرصت؟

آینده این بحران نامشخص است. اگرچه هند فعلاً نمی‌تواند جریان آب را به‌طور کامل متوقف کند، اما تهدید آن فشار روانی و سیاسی شدیدی بر پاکستان

وارد می‌کند. از سوی دیگر، واکنش پاکستان به تعلیق توافق‌نامه‌های دوجانبه می‌تواند تنش‌ها را تشدید کند و حتی به درگیری نظامی منجر شود. با این حال، این بحران می‌تواند فرصتی برای بازنگری معاهده آب سند و ایجاد چارچوب‌های مشترک برای مدیریت منابع آبی فراهم کند. همکاری منطقه‌ای، از جمله مدیریت مشترک حوضه‌های آبی، می‌تواند راه‌حلی پایدار برای کاهش تنش‌ها باشد. (Kreamer, 2013)

در جهانی که منابع طبیعی روزبه‌روز کمیاب‌تر می‌شوند، تنش‌های آبی میان هند و پاکستان نشان‌دهنده چالش‌های بزرگی است که فراتر از قدرت نظامی و هسته‌ای عمل می‌کنند. همان‌طور که عنوان این مقاله بیان می‌کند، «بمب اتم هم آب نمی‌شود»؛ آب، عنصری است که نه با سلاح، بلکه با همکاری و مدیریت هوشمندانه می‌تواند تضمین‌کننده صلح و پایداری در منطقه باشد.

منبع: رادیو زمانه

تغییرات اقلیمی و سیلاب‌های شدید در میانه و جنوب آمریکا



گزارش جدید نشان می‌دهد که تغییرات اقلیمی باعث افزایش شدت و فراوانی سیلاب‌ها در مناطق میانه و جنوبی ایالات متحده شده است. این وضعیت تهدیدی جدی برای زیرساخت‌ها و جوامع محلی به شمار می‌رود. کارشناسان بر لزوم اقدام فوری برای مقابله با این چالش تأکید دارند.

لینک خبر: <https://news1.day/ULyqk>